



خانم کارین ژان پی، سخنگوی کاخ سفید گفته تمرکز ما الان روی اعتراضات در ایران است نه مذاکرات. چند نکته راجع به این حرف‌شان به ذهن‌مان آمد که با شما در میان می‌گذاریم.

۱. فرض کنید پدر و مادرتان اهل هائیتی هستند، فقیرترین کشور نیمکره غربی که با وبا و زلزله و خشونت سیاسی درگیر است و آمریکا از یک قرن پیش آن را به خاک سیاه نشانده. در مارتینیک به دنیا آمده‌اید، جزیره‌ای در آمریکای لاتین که هنوز جزو مستعمرات فرانسه است. برای کامل شدن کلکسیون، سیاهپوست هم هستید. اینها همه مشخصات کارین ژان پی، سخنگوی کاخ سفید است. یعنی همین خانم ژان پی بر اگر فردا برای پیاده‌روی از خانه بیرون برود و از بدشمنی گیر پلیسی بیفتد که اخبار نگاه نمی‌کند و او را نمی‌شناسد، خدا عالم است چه بلایی سرش بیاید و به احتمال زیاد، تبدیل به سخنگوی "سابق" کاخ سفید می‌شود. همین خانم که گریه کن ندارد و گرنه خودش یک پا روضه است، همه این گرفتاری‌ها را گذاشته و عدل می‌آید می‌گوید تمرکز ما روی اعتراضات ایران است. بزرگوار نیست واقعا؟ قدر نمی‌دانیم ما اصلا لیاقت نداریم کسی روی ما تمرکز کند. یعنی فکر کن، گفته‌اند برو بگو تمرکز ما روی اعتراضات ایران است او هم گفته چشم! نیمه‌نامده بگوید آقا شما این ماه صد دلار از حقوق من کم کن عوضش کمتر در ولایت پدری ما موش بدوان. یا یک تمرکز جزئی هم روی مسائل سیاه‌پوستان آمریکا داشته باش در کنارش تمرکز روی اعتراضات ایران را هم ادامه بده.

۲. خداوکلی ایشان حق دارد و مسأله اعتراضات در ایران مسأله تمرکز لایمی است. آدم اگر یک لحظه غفلت کند و چشم از اعتراضات بگرداند، ممکن است یکهو ببیند همه جا پخش شده که مشهدی مرادعلی عبدالی آبادی اخیرا در اعتراضات به طرز ناجوانمردانه‌ای هدف گلوله ماموران امنیتی قرار گرفته است. آن وقت هر چه داد بزنید که مشهدی مرادعلی مذکور پدر بزرگ شما بوده، ۹۰ سال سن داشته، اعتراضش فقط به این بوده که چرا بچه‌هایش نمی‌گذارند تهنای بیرون برود و الان دیگر تا فامیل‌های درجه ۳ و ۴ هم خوابش را با لباس سفید در یک جای خوب دیده‌اند، کسی حرف‌تان را گوش نمی‌دهد. حتی ممکن است مثل قضیه مادر سارینا، بگویند این اصلا نوه آن مرحوم نیست زیرا کلیه فرزندان و نوه و نتیجه‌های آن خدایبامر از غصه پدرشان دسته‌جمعی خودکشی کرده‌اند. حالا بیا و ثابت کن اولاً آن قضیه خودکشی دسته‌جمعی مال دو سه سال قبل است، ثانیاً در جزایر تاسمانی استرالیا اتفاق افتاده و ثالثا مربوط به هینگ‌ها بوده. کی گوشش بدهکار است؟ بعضا طرف عکس خودش را به عنوان کشته‌شده در اعتراضات دیده و هر چه قسم خورده که من زنده هستم دیگران فکر کرده‌اند حتما طفلکی خبر مرگش برایش خیلی ناگهانی بوده و نمی‌تواند این ضایعه بزرگ را باور کند. کم‌کم با واقعیت کنار می‌آید.

۳. کاش خود معترضان هم نصف کاخ سفید روی این قضیه اعتراضات تمرکز می‌داشتند. این که نشدا هر کشته‌ای که معرفی می‌کنند هر کدام از مشخصاتش متعلق به یکی از متوفیان ماه‌های اخیر است، آدم فکر می‌کند پکی رفته آرامستان، از روی هر سنگ قبری یک تکه مطلب برداشته و نوشته. می‌ترسم پس‌فردا بگویند دختر نخبه‌ای به نام غلامحسین غلامی متولد ۱۳۱۵ که دانش‌آموز مدرسه‌ای در تهران بود، به علت کشف حجاب در اهواز دستگیر و در زاهدان کشته شده و والدینش از او خبر ندارند! بابا یک کم دقت کنید دیگر!

سخنگوی کاخ سفید: تمرکز ما بر ناآرامی‌ها در ایران است نه مذاکرات!

ای نالوطی!

# گریه‌های زیر سیل

یک بام و دو هوای کاخ سفید



مسئله‌های طنز ایران



نازین اسماعیل‌زاده

مرغیبه سادات آل ایوب

## ذکر شیخ السینوسی در باب تأسیس یک نیوز ایجنسی

گویند روزی شیخ با مریدان بر مئبر بنشسته بود و وعظ می‌خواند که ناگهان گروهی فلاح بیل به دست هراسان نزد شیخ آمدند. شیخ گفت: شما را چه شده است که جفت پا در میان سخنان ما می‌تازید؟ فلاحان گفتند: چندتیسرت چوپانی کذاب پیدا شده و هر روز با فریاد گرگ، گرگ ما را به سخره می‌گیرد. مانده‌ایم با او چه کنیم؟ شیخ گفت: همین بیل‌ها را در حلقومش فرو برید، گفتند: نمی‌توانیم، چرا که از نزدیکان ملکه بریتانیاست. شیخ پاسخ داد: «دکانی در صنف نیوز ایجنسی در بازار برایش باز کنید تا در آنجا هر رطب و یابس خواست بگوید و بداند اول یک نیوز ایجنسی، کذابی است، سپس بی‌شرفی و پس از آن اختلال انکساری است.» مریدان گفتند: یا شیخ کذابی و بی‌شرفی را از بریم، اختلال انکساری چه صیغهای است؟ شیخ بازگفت: اختلال انکساری یعنی آنکه اگر مردم ممالک غربیه از سرما وارد عصر یخبندان شوند یک چشمش را ببندد و چشم دیگری را برای روشن نشدن یک شعله گاز در سربای در ممالک شرقیه باز بگذارد و چنان استوری و پست بدری که خود زاکربرگ به انابت برآید که کافی است. مریدان گفتند: یا شیخ گرفتیم چه شد، اسمش را چه بگذاریم؟ شیخ پاسخ داد: به احترام ملکه، بی‌بی‌سی، مریدان گفتند: بی‌بی‌اش را فهمیدیم آن سی آخر از چیست؟ شیخ گفت: از اسرار است، همانقدر بداند که درهم و دینارش فراوان است شما را کفایت است. مریدان تا این شنیدند گریبان دریدند و به تأسیس یک نیوز ایجنسی همت گماردند. مورخان نوشتند این واقعه در سنه ۱۹۹۲ اتفاق افتاد.



## زیرنویس‌های اینترنت‌نشان وا بده لعنتی!

زیرنویس اول: فعلا تیتراژ این باشه: چهل کشته و بیش از صد زخمی در آتش‌سوزی اوین (از اتاق فرمان اطلاع می‌دهند فعلا تیتراژ این باشه رو چرا دیگه زیرنویس کردین؟) زیرنویس دوم: ببین! از روی میز متن اخبار بردار بنویس: زیرنویسی که نوشتیم فعلا تیتراژ این باشه، فعلا این تیتراژ باشه رو ننویسین بقیه رو بنویسین. (از اتاق فرمان اطلاع می‌دهند زیرنویس دوباره اشتباه شده ابرو مون رفت) زیرنویس سوم: آقا!!! زیرنویس دوم رو دادم اولی رو درست کنم عین اونو چرا نوشتین لعنتی! زیرنویس فقط این باشه: چهل نفر تو اوین کشته شدن (از اتاق فرمان اطلاع می‌دهند خبر مرگتون اینا چیه دارین زیرنویس می‌کنین؟) زیرنویس چهارم: آقا!!! زیرنویس دوم رو دادم اولی رو رفع و رجوع کنم عین اونو نوشتین لعنتیا! زیرنویس فقط این باشه - رو ننویسین. بقیه رو فقط زیرنویس کنین. (از اتاق فرمان اطلاع می‌دهند میشه کلا چیزی زیرنویس کنین؟ اینترنت‌نشان به جای اوین رفت رو هوا میمونان) زیرنویس پنجم: ببین! این یارو اتاق فرماینه دیگه میمونون هم کرد. زیرنویس کنین داغونا! شما که در هر صورت زیرنویس می‌کنین، لااقل «میمونون» رو درست بنویسین اشتباه تایی نگیرن از مون. (بن سلمان مستقیما وارد اتاق تحریریه اینترنت‌نشان می‌شود) زیرنویس ششم: بگو دیگه چیزی ننویسین صابش اومد. (اتاق فرمان اطلاع می‌دهند: تو رو خدا فقط ننویسین گاو شیرده وارد اتاق تحریریه شد).



## گاف گاو!

ای که در نشنال، پلاسی دانما هرچه می‌خواهی بده گاف و نترس جای ایران هم بگو جنگ یمن وقت هشتگ با ربات و پیج فیک این نظام تازه را کن ریشه‌کن تیتراژها را چک نکن قبل از خبر بیخیال، کم‌حافظه! یار خفن کی حواسش هست به سوتی او این بشر یا تایلند است یا یکن! زین همه اخبار و گاف و تیتراژ گاو بی‌بی‌سی بزاید در چمن!



علی اکبر ماردانی



فاطمه بحر کافلی



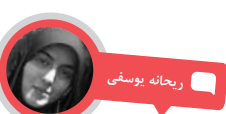
## برگی از خاطرات «الکس جونز» مجری معروف آمریکایی پولش خوب است

یکشنبه: تمام دیشب خواب می‌دیدم که با بیل توی دهانم فلفل کارولینا ریپر می‌ریزند. وقتی بیدار شدم، ویتترین یک خون‌آشام را داشتم. در آشپزخانه خوابم برده بود و گویا در خواب راه رفته بودم و سیم ظرف‌شویی را چپانده بودم توی دهانم. امیدوارم تا روز دادگاه این زخم‌زویل‌ها خوب شود. دوشنبه: امروز وکیل آمد خانه ما. خوابم را برایش تعریف کردم. دل‌داری داد و گفت که تا حالا در دادگاه مطبوعات، حکم فلفل‌ریختن در دهان را برای هیچ متهمی نبریده‌اند. البته تا حالا! سه‌شنبه: امروز وکیل دوباره تماس گرفت و برای بار هزارم پرسید هنوز روی حرفم هستم یا نه. من هم گفتم که هنوز معتقدم تیراندازی دبستان سندی هوک از فیلم کاپیتان هوک هم خیالی‌تر بوده و سیاه‌بازی دولت است تا دیگر نتوانیم با اسلحه‌ها تیب خفن بزنیم. چهارشنبه: تمام مسیر دادگاه تا خانه را از ناراحتی قل خوردم. یک میلیارد دلار جریمه برای دو متقال نشر اکاذیب! حالا ما ۱۰ سال پیش یک جفتگی براندم، دولت چه بی‌جنبه شده تازگی‌ها! کاش می‌دادند با بیل فلفل بریزند توی دهانم. پنجشنبه: تمام دیشب تا صبح را از فرط غصه آدامس یادکنکی یاد می‌کردم. حالا این همه پول را از کجا بیآورم؟! از سر قبر بابایم؟! باید یک زنگ به این وکیل بزنم، ببینم می‌تواند دستم را به‌عنوان اکاذیب‌چی در دم و دستگاه دولت بند کند یا نه. می‌گویند پولش خوب است.



## ما اصل مشکلاتیم

ما اهل گفت‌وگویم اهل مذاکراتیم یک عده سر به زیر و فعال و دیپلماتیم روی چماق‌مان هست حتی اگر هوچی دل بد نکن که اهل سبزی و میوه‌جاتیم یک گوشه چشم‌مان هم دنبال اغتشاش است فرمانده سپاه توتیت با رباتیم هر چند گفت‌وگو را بسیار می‌پسندیم تا اغتشاش باشد با گفت‌وگوی کاتیم! برجام سیری چند است؟! امپریالیسم هستیم تا راه زور باشد راهی آن صراطیم ما قاتلین بغداد، جنتمنان میزیم حق و توست با ما، ما اصل مشکلاتیم هر چیز حرف ما شد باید قبول باشد لطفا بیا و خر شو! پینوکیو باهاتیم!



## تعبیر خواب ملیجک

به طور کلی دیدن گاو در خواب نشانه نعمت و فراغت است به شرط صحت عقل و ادراک خواب بیننده و اگر ناقص‌العقل یا ملیجکی خواب گاو ببیند به چند قسم است: اگر از گاو فریادهای شیر می‌دوشد، نشان آسودگی از جنگ و جدال است. اگر شیری که می‌دوشد پرچرب است نشان ثروت زیاد است و اگر کم‌چرب غنی شده با ویتامین دی است احتمالا گاو در مناطق گرم و خشک می‌زیسته و آفتاب زیادی به مغزش خورده. اگر شیری که می‌دوشد شیر کاکائو است، نشان رسیدن به نفت است بدون رنج چاه کندن و اگر شیر ترش شده است نشان فساد و زرد و پند است.

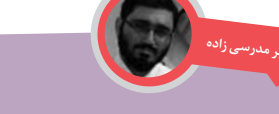
## ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نشر: اعظم‌سادات موسوی  
دبیر سرویس شعر: صامره حبیبی  
دبیر سرویس کارتون و فنی: سید محمدجواد طاهری  
راه‌های ارتباطی: @tanzym-ir  
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!

بزن هشتگ که ایران اش و لاش است و اوضاع زناش دلخراش است تو که رفتی وین، رخ داغ کردند کباب چنجه من «اغتشاش» است



مهدی علی کفالی



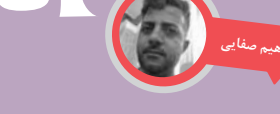
عبد دنیا حقیر و شرتی شرتی ست که شاخص بایدن پیر زبورتی ست دو معنا دارد آزادی در عالم در اینجا اغتشاش، آنجا لیبرتی ست



فاطمه بحر کافلی



ابراهیم صفایی



حسین اوهسی

با خود ناکس ایلیس که قوم و خویش است هر کجا هست نماد تنش و تشویش است دستکش مخملی و همچو چدن پنجولش ماده گرگی ست که در رخت و لباس میش است

ایران شما حکومت بیداد است از زشت‌ترین مراحلش ارشاد است از کشور من درس بگیر، اینجا زانو بزنم، جورج فلوید آزاد است

در منطق بحث و گفت‌وگو می‌بازیم لاج کرده و فتنه راه می‌اندازیم در کاخ سفید دور بیت بنزین بنشسته و کوکتل مولوتف می‌سازیم